

تاریخ فرشته اثر تاریخ دکن

دکتر ذالفقار علی انصاری

بخش فارسی، مدرسه زبان خارجی،

دهلی نو

تاریخ فرشته یکی از کتابهای مهم و مستند از دوره سلاطین بهمنیه دکن هند است. مصنف کتاب ملا محمد قاسم هندوشاه فرشته بود، او شاعر و تخلص او "فرشته" بود. او درباره هندوشاه توضیحی نمیدهد، بلکه اسم خانوادگی او می باشد، چرا که هندوشاه اسم پدر او بوده است. از لحاظ تاریخی این کتاب خیلی مهم است، این کتاب در دکن تصنیف شده و بعد به چند زبان ترجمه شد. عبدالجی خواجه این کتاب را به زبان اردو ترجمه و می نویسد؛ "فرشته یک مورخ بود و او درباره خود چندان توضیحی نمیدهد، بلکه فقط در تصنیفات وی چند جا در باره خود اشاره کرده است. بدین جهت نوشتن زندگی نامه کامل برای او مشکل است. اسم پدر او مولانا غلام علی هندوشاه بود." فرشته می نویسد که "در سال 960 هجری سه پادشاه وفات یافتند، برهان نظام شاه بن احمد شاه بحری، سلطان محمود شاه گجراتی و سلیم شاه سوری، پس پدرم مولانا غلام علی هندوشاه در شعر در مورد سال تاریخ وفات آنها گفته است.

سه خسرو رازدال آمد بیک بار	که هند از عدل شان دارالامان
یکی محمود شاهنشاه گجرات	که همچون دولت خود نوجوان بود
دوم اسلیم شه سلطان دهلی	که در هندوشاه صاحبقران بود
سوم آمد نظام آن شاه بحری	که در ملک دکن خسرو نشان بود
زمن تاریخ فوت این هر سه خسرو	چومی پرسی "زوال خسروان" بود

960- هجری¹⁶⁹

¹⁶⁹ تاریخ فرشته، ترجمه اردو خواجه، ص 39.

از این شعر معلوم می شود که پدر محمد قاسم فرشته با سلاطین دکن رابطه می داشته یا به سلطنت وابسته بوده است. در این باره عبدالحی خواجه می نویسد: "جای تولد فرشته آسترآباد بود. که در سال 1552/ 960 هجری تولد یافت. و در زمان کودکی به احمد آباد (احمد نگر) رفت، و با خانواده شاهی در آنجا ماند و به تحصیل ادامه داد. بعد فراغت در دربار مرتضی نظام شاه ملازمت یافت و بعد قتل حسین شاه ثانی، به بیجا پور رفت و در سال 1560 م به دربار/براهیم عادل شاه ثانی همکاری کرد.

فرشته در سال 997 هـ دارالسلطنت/احمد نگر را بدرود گفت و سپس به بیجاپور رسید و در خدمت والی دکن حاضر شد. فرمانروای عالی مقام به شفقت انعام و اکرام عطا کرد و حکم فرمود که این بر شما فرض است که تاریخ زندگی نامه پادشاهان هند را بنویسید، پادشاه برای این آماده بود، پس من خود را آماده کردم، و به شعر نوشتم؛

بسازم یکی بوستان چون بهشت که خلدش به ببینی اروی بهشت
گلستانی آرانم از خوش سخن که هرگز نه گردد زگردش کهن¹⁷⁰

و در ادامه فرشته در مقدمه کتاب خود می نویسد؛

"گامش کاشف اسرار تحقیق اما بعد بنده کمینه درگاه محمد قاسم هندوشاه آسترآبادی المشهور بفرشته برشاسایان فروغ بخش انجمن هستی که ضمیرانورشان معیار نفوذ الفاظ و معانیست عرضه میدارد که در عنفوان جوانی ببلده فیض اثر احمد نگر گاهی سروش آسمانی بکوش هوش این کمترین افراد انسانی میرسید که ای نقش طراز نگارستان زمان وای رنگ آمیز نگارخانه جهان چون شکر و سپاس مخلوق حق پرست فی الحقیقه حمد و شکر داد از جهان آفرین است، سزاوار آنکه کتابی مشتمل بر واقعات پادشاهان اسلام و حالات مشایخ عظام که نظام ظاهری و باطنی ممالک هندوستان و ابسته بدستیاری همت قدسی اثر این دو طایفه آستان بوده و هست تصنیف نمائی و بنا بر آنکه کتب و قایع سلاطین عظیم الشان هندوستان چنانکه دل میخواست دران مملکت بهمرسید هیولای ای معنی صورت بسته در معرض تعویق افتاد و تا آنکه در سته ثمان و نسعین و تسمایه از احمد نگر بدار السلطنت بیجا پور رسید بخدمت کامروی دکن خدیو قدر شناس صحن مشرف کشت و

¹⁷⁰ . همان، ص 42.

چون آن حضرت را رغبت تمام بسر معنویت و پیوسته مطالعه کتب تاریخ اشتغال دارد هر آینه آن عطیه بخش جهان بگونه کونه تفقدم نواخته گفت سزواریند گیت آنست که مانند فی قلم در تحریر صحایف موفور الطایف احوال قدسی مال همایون ما وجیع پادشاهان عرصه هندوستان و مشایخ کبار آن دیار کمر خدمت بر میان جان بسته کمیت خانه واسطی ژاد را در میدان فصاحت جولان فرمای و غواص صفت جواهر زوهری که شبستان هند از پرتو فروغش روشن کرد".¹⁷¹

فرشته اولین تصنیف "اختیار قاسمی" در رشته طب را نوشت، فرشته گرچه در کار دولتی مشغول بود، اما مردم با کارهای علمی و ادبی او نیز آشنا بودند. ابراهیم عادل شاه ثانی پادشاه، علم دوست بود، از کارهای علمی و ادبی فرشته آگاه شد، که فرشته نویسنده ابی صاحب کمال است، پس کار تاریخ نویسی با عنوان "دوره اسلامی هند و حکومت مسلمانان هند" را به او سپرد. فرشته اول معذرت خواست، ولی به التجای پادشاه راضی شد و این تاریخ را نوشت.

فرشته نوشتن این تاریخ را از سال 1606 م آغاز و در سال 1611 م به مدت پنج سال با تلاش بسیار تمام کرد. فرشته انسانی محقق و صاحب شعور و کمالات بود. اول کتاب های مختلف تاریخی را بخوبی مطالعه می کرد، تا اهمیت و ارزش تاریخ را بهتر درک می کرد و لذا برای نوشتن کتاب خود از 32 کتاب تاریخی استفاده کرد. او برای این کتاب چند کتاب مستند تاریخی را مطالعه کرد که در ذیل ذکر شده است.

"ترجمه یمینی زین الاخبار، تاج المائر، طبقات ناصری، ملحقات شیخ عین الدین بیجا پوری، تاریخ فیروز شاهی، واقعات بابری، واقعات همایونی، تاریخ بنای گیتی، بهمن نامه منظوم شیخ آذری، سراج التواریخ بهمنی تالیف ملا محمد لاری، تاریخ مبارک شاهی، تحفته السلاطین بهمنی تالیف ملا داود بیدری، تاریخ الفی، تاریخ استادی ملا احمد تنوی، روضته الصفاء، حبیب السیر، تاریخ حاجی محمد قندهاری، طبقات محمود شاهی بزرگ (مندوی) تاریخ محمود شاهی خورد مندوی، تاریخ نظام الدین بخشی، تاریخ بنگاله، تاریخ سند، تاریخ کشمیر،

¹⁷¹ . تاریخ فرشته، نولکشور، ص 4 مقدمه.

نسخه الفوائد القوائد، نسخه مغیرالمجالس، نسخه قلبی، نسخه خیرالعارفین
شیخ جمالی شاعر¹⁷²

تاریخ فرشته مشتمل بر دو جلد است، و در آن شامل مقدمه و دوازده مقاله
است. و در آخر خاتمه است، عنوان مقاله در ذیل است: تذکره سلاطین لاهور،
تذکره سلاطین دهلی، تذکره شاهان دکن، تذکره شاهان گجرات، تذکره
سلاطین مالوه، تذکره شاهان خاندیش، تذکره شاهان ملتان، تذکره شاهان
سند، تذکره شاهان کشمیر، تذکره شاهان بنگاله، تذکره مشایخ هند.

در مقدمه کتاب تاریخ فرشته، درباره فرهنگ و دین قدیم هند نوشته و عقاید
و دین هندوان را به کتاب مقدس هندوان "مهابهارت" ارجاع داده است. او می
نویسد: در این زمان نزدیک هندوان بعلاوه "مهابهارت" کتاب معتبری نیست. در
زمان اکبر ابوالفیض فیضی پسر شیخ مبارک این کتاب را به زبان فارسی ترجمه
کرد. در این کتاب هزاران بیت شعر نوشته شده است. فرشته می نویسد که از
نوشته های "مهابهارت" این جهان به چهار دوره تقسیم شده است: ستیا
یوگ¹⁷³، تریترا یوگ¹⁷⁴، دو ابریوگ¹⁷⁵، کالی یوگ¹⁷⁶. او می گوید که از این چهار
دوره معلوم نمی کند که این جهان در چه زمان شروع شده و در چه وقت به
پایان خواهد رسید، او از قول علی (ع) نقل می کند که شخصی از حضرت علی

¹⁷² . تاریخ فرشته ترجمه اردو خواجه ، ص 39 .

¹⁷³ . **Satya Yuga**:- Virtue reigns supreme. Human stature was 21 cubits. Average human lifespan was 100,000 years . There were no poor and no rich; there was no need to labour, because all that men required was obtained by the power of will; the chief virtue was the abandonment of all worldly desires (as described in the [Mahabharata](#))

¹⁷⁴ . **Treta Yuga**: – There was 3 quarter virtue & 1 quarter sin. Normal human stature was 14 cubits. Average human lifespan was 10,000 years.

¹⁷⁵ . **Dwapar Yuga**: – There was 1 half virtue & 1 half sin. Normal human stature was 7 cubits. Average human lifespan was 1000 years.

¹⁷⁶ . **Kali Yuga**: – There was 1 quarter virtue & 3 quarter sin. Normal human stature was 3.5 cubits. Average human lifespan will be 100 years. Towards the end of the Yuga this will come down to 20 years.

(ع) پرسید که پیش از سه هزار سال، این دنیا دست چه قومی بوده است؟ حضرت علی (ع) فرمود حضرت آدم (ع)، او سه بار این سوال را پرسید، ولی او یک جواب را تکرار کرد، پس گفت چرا؟ شما هربار یک جواب تکرار می کنید، حضرت فرمود، اگر شما هزار بار دیگر هم این سوال را از من پرسید، من هربار همین جواب را میدهم. از این رو نظر حضرت علی (ع) بر این بود که عقیده تقسیم ادوار هندوان، سراسریک افسانه است، و اعتباری ندارد.

فرشته یک مورخ بود، او فلسفه دین هندو را مطالعه کرد و در کتاب خود درباره دین هندو و فلسفه "ودا" که نزد هندوان خیلی مهم است، مطالب بسیاری را نوشته است، در جایی می نویسد: در دین هندو تقسیم نسل انسانی به چهار گروه است: برهمن (نسل اشراف)، چپتریه (نسل سپاه)، ویش (نسل کاشت)، شودر (نسل پائین- خادم).

فرشته در مقدمه کتاب خود درباره تاریخ خاندان "کورون" و "پاندون" نوشته و تاریخ شهر متهرا که در شهر متهرا "سری کرشنا" یک خدای بزرگ هندوان تولد یافت، وی در کتاب خود در باره واقعه و داستان رانی گندهاری که مادر دریودهن در حق دشمن خود دعای بدی کرده بود را ذکر کرده، او همچنین چند واقعه دیگر که در آن زمان هندوان و دوره حکومت راجان هندوان و غیره رخ داده بود را نیز نوشته است. (...) فرشته بین عقاید هندوان و مسلمان مقایسه ای را انجام داده و تفاوت بین آنها را آشکار می کند، او میگوید، بنای دین هندوان بریت پرستی است، و هندوان به آن عقیده کامل دارند.

"بیاس" در هند مرد پاکیزه تصور می شود. او مثل پیغمبران بود، این عالم "وید" تصنیف کرده بود. "ریگ وید"، "وید"، "شام وید"، "اتهر وید" که نوعی از کلام الهامی است.

معنی اسم "بیاس" شرح کننده است، او به این نام مشهور شد. اصل نام او "دوی بانین" است. فرشته یک جایزه مختصری درباره اینها گرفته است.

درباره ورود اسلام در هند، می نویسد که اولین مسلمان "مہلب بن ابی صفره" بود، در سال 28 هجری در هند جنگ کرد. رو ابطی که در زمان سلطان الپتگین و سبکتگین با راجان هند بوده است، درباره این همه مطالب فرشته در مقدمه نوشت.

تاریخ فرشته در چند مقاله تنظیم شده است، مقاله اول برای سلاطین لاهور است که این را سلاطین غزنویه می گویند، در اینجا جنگ بین امیر سبکتگین و راجا جی پال و حکومت سلطان محمود غزنوی و حمله او بر هندوستان و فتح معبد سومنات به تفصیل بیان کرده، او درباره شاعران مشهور دوره سلطان محمود را نام برده و درباره آنها توضیحات مختصری را مطرح کرده است و می نویسد: عصائری، اسدی طومی، منوچهر بلخی، حکیم عنصری، فرخی، دقیقی، شاعران آن دوره بوده اند. در دربار سلطان محمود غزنوی چهار صد شاعر زندگی میکردند، از جمله: عنصری و ملک الشعراء که شاعرانی معروف بودند، نیز یافت می شود.

واقعه کاستن زلف ایاز که ایاز غلام محبوب سلطان محمود بود، یک بار در شب حکم برای کاستن موی سر ایاز را داده بود و ایاز موی سر کاست. پادشاه بعداً به این حرکت شرمنده شده بود و چند روز خیلی غمگین ماند. عنصری شعری البدییه رباعی گفت:¹⁷⁷

امروز کار زلف یار در کاستن است چه جای بغم نشستن و خاستن است

روز طرب و نشاط و من خاستن است کاراستن سر روز پیراستن است

سلطان محمود غزنوی در سن 63 سال 421 هجری وفات یافت. بعد وفات سلطان محمود پسران او سلطان شدند، در مقاله اول از سلاطین غزنویه این همه واقعات تاریخی هست.

مقاله دوم برای سلاطین دهلی است، در اینجا یک جایزه تاریخ قدیم شهر دهلی هست، و درباره تاسیس سلسله غوریه در هند و سوانح شهاب الدین غوری، سلطان قطب الدین ایبک، ناصرالدین قباچه، اختیار الدین محمد خلجی،

¹⁷⁷ . همان، ص 155.

بهاء‌الدین طغرل، آرام شاه بن قطب‌الدین شاه ایبک، شمس‌الدین التمش، رضیه سلطانیه، غیاث‌الدین بلبن، معزالدین کیقباد، جلال‌الدین فیروز شاه خلجی، علاء‌الدین خلجی و شاعران و ادیبان و علماء دین دوره آنها که بودند، نوشته است، و فرشته می‌نویسد در زمان علاء‌الدین خلجی بعلاوه امیر خسرو حضرت حسن سنجری چند دیگر شعراء مثل صدرالدین عالی، فخرالدین قواس، حمیدالدین راجه، مولانا عارف عبد‌الحکیم و شهاب‌الدین صدرنشین شعراء کرام به لحاظ اسلوب بیان مشهور بودند.

بعد علاء‌الدین خلجی، قطب‌الدین مبارک شاه خلجی، بعد او خاندان تغلق سلطان غیاث‌الدین تغلق، سلطان محمد شاه تغلق، فیروز شاه تغلق، غیاث‌الدین تغلق شاه بن فتح خان بوده اند. بعداً از خاندان سادات بادشاهان دهلی شدند، ابراهیم لودهی بن سلطان لودهی و غیره.

فرشته فقط سوانح سلاطین ننوخته است بلکه وضعیت سیاسی و اجتماعی و ادبی دوره بادشاهان و اصلاحات و کارفلاهی بادشاهان را هم به حواله کتاب تاریخ مستند و به مشاهدات خود بیان نموده است.

سلاطین مغل: فرشته اینجا می‌نویسد، جای تولد بادشاه بابر فرغانه بود، عمر شیخ مرزا پدر او بود، قتلنگار خانم بنت یوسف خان مادر بابر بود. بابر در سال 888 هـ تولد شد. پدر اسم او بابر مرزا گذاشت، و حسامی فراکوی تاریخ تولد گفت "اندرشش محرم زاد آن شه محرم-تاریخ مولدش هم شش محرم." بعد وفات پدر بابر در سن دوازده سال حاکم اندازان شد. لقب ظهیرالدین یافت. فرشته فتوحات بابر تفصیلاً ننوخته است. بابر چند بار بر هند حمله کرد و بالآخره فاتح شد. او 22 رجب المرجب روز پنجشنبه به دارالسلطنت آگره آمد و قلعه آگره که در تحویل مقربین ابراهیم لودهی بود، در تحویل خود گرفت. بعد دهلی آمد و در اینجا روز سه شنبه تاریخ دوازدهم رجب شیخ زین صدر به نام بابر خطبه خواند. بادشاه امروز شهر را سیر کرد و زیارت مزار اولیای کرام را کرد و به آگره برگشت. فرشته همه واقعات از سلاطین مغل: وفات بابر، حکومت

افغان شیر شاه افغان بن حسن سورو برگشتن نصیرالدین همایون به ایران در هند، دولت شهنشاه اکبر و وضعیت سیاسی و اجتماعی و ادبی تا زمان شهنشاه اکبر در این کتاب است.

مصنف می نویسد: من بعد از نوشتن تاریخ شاهان دهلی من در مقاله سوم تاریخ خانواده بهمنی دکن نوشتم. من این خاطر امیدوارانعام و اکرام سلطان خاقان اعظم ابراهیم شاه نیستم، بلکه بر من احسان و کرم او زیاد است. من تاریخ خانواده بهمنی دکن در شش باب تقسیم کردم و برای یک خاندان یک فصل اختصاص داده شده است.¹⁷⁸

بادشاهان احمدآباد و گلبرگه بادشاهان احمدآباد و بیدربه نام سلاطین بهمنیه مشهور اند، سلاطین بیجاپور عادل شاهیه، شاهان احمد نگر و نظام شاه، شاهان برار عماد شاهیه، فرمانروایان تلنگانه یعنی قطب شاهی، فرمانروایان بیدر برید شاهیه.

حسب و نسب سلطان علاءالدین حسن گنگو بهمنی: درباره این چند مختلف بیان آمده است. ولی فرشته بر این اکتفا کرده است در دهلی در زمان محمد تغلق یک منجم گانگو برهن بود، و علاءالدین حسن در خانه او ملازم بود و دوست شده بود. در آن زمان حسن در مشکلات بود به سفارش منجم گنگو برهن بادشاه محمد تغلق حسن را کمک کرد. حسن مرد نیک و ایماندار بود، گنگو برهن برای علاءالدین حسن پیشگوی کرده بود، که شما یک روز مرتبه بلندی می گیری! اگر می گیری اسم من با اسم خود جزو بیاورید یعنی نام من به نام خود شامل بکنید، تا که اسم من بنام شما یادگار باشد. علاءالدین حسن عهد کرد و علاءالدین حسن بنام خود گنگو برهن شامل کرد، و بعد دکن فتح شد. در چهار ربیع الثانی 747 هـ بروز جمعه حسن گنگوه لقب ظفر خان بود، تخت نشین شد.¹⁷⁹ و سلطنت دکن بنام سلطنت بهمن (برهن) و بعد بنام سلطنت بهمنیه مشهور شد.¹⁸⁰

¹⁷⁸ همان ص، 735.

¹⁷⁹ همان، ص 743.

¹⁸⁰ همان، ص 737.

بیان دیگر برای حسب و نسب علاءالدین حسن بهمنی آمده است، که فرشته می نویسد: من در یک رساله خواندم که در این رساله نوشته شده است، حسب نسب علاءالدین حسن بهمنی از خاندان بهرام گور ساسانی است (ساسان بهمن بن اسفند یار حکمران کیانی)، ولی این بنظر من غلط است.

فرشته می نویسد، در یک مجلس خواجه نظام الدین اولیاء در باره علاءالدین حسن پیش گویی کرده بود که یک روز تاج دکن بر سر شما خواهد شد.

بعداً علاءالدین حسن بهمنی شاهان بهمنی بودند: محمد شاه بهمنی بن سلطان علاءالدین حسن گانگو، مجاهد شاه بن سلطان شاه بهمنی، داوود شاه بن سلطان علاء الدین حسن، سلطان محمود شاه بهمنی بن سلطان علاءالدین حسن گنگوهی بهمنی، غیاث الدین بهمنی بن سلطان محمود شاه بهمنی، سلطان شمس الدین بهمنی بن سلطان محمود شاه بهمنی، سلطان فیروز شاه بهمنی بن سلطان داوود شاه بهمنی، احمد شاه بهمنی بن سلطان داوود شاه، سلطان علاءالدین احمد شاه بهمنی، همایون شاه بهمنی، نظام شاه بهمنی، محمد شاه ثانی بن همایون شاه ظالم، سلطان محمود شاه بهمنی، احمد شاه ثانی، علاءالدین بن احمد شاه، شاه ولی الله بن سلطان محمود شاه، کلیم الله بهمنی بن محمود شاه بهمنی. خاندان بهمنی 170 سال حکمرانی کردند.

بهمن نامه: شاهنامه نویسی در ادبیات فارسی همیشه مشهور بوده است، مصنف بهمن نامه شیخ آذری بود. او با دربار سلطان احمد شاه منسلک بود. خطاب ملک الشعراء یافته بود، بفرمان سلطان "بهمن نامه" نوشتن شروع کرد، بعداً به اسفراین برگشت و در آنجا در سال 866 وفات یافت. چنانچه امروز که بهمن نامه پیش ما است تا واقعات همایون شاه بهمنی است، واقعات بعد وفات شیخ آذری به قلم ملا نظیری و دستامی و دیگر شعراء نوشتند. در این کتاب و واقعات تنزل دولت بهمنیه است.¹⁸¹

سلاطین بیجاپور عادل شاهیه و غیره: بانی خاندان عادل شاهی ابوالمظفر یوسف عادل شاه بود. او از نسل خانواده سلاطین روم بود. این پادشاه اولین

همان، ص 827. ¹⁸¹

بادشاه درهند بود که مذهب شیعه در دکن رایج کرد و خطبه دوازده امامین را خواند. او می خواست که بین این دو مذهب (مسلك) تعصب ختم باشد، و دوستی پیدا باشد. پس به اقدام یوسف عادل شاه بین علماء و مشایخ شیعه و سنی هم آهنگی پیدا شد. بعد وفات یوسف عادل شاه، اسماعیل عادل شاه بن یوسف عادل شاه، ملو عادل شاه بن اسماعیل عادل شاه، ابراهیم عادل شاه بن اسماعیل عادل شاه، ابوالمظفر علی عادل شاه بن ابراهیم عادل شاه و ابراهیم عادل شاه ثانی بادشاه شدند.

شاهان احمد نگر و نظام شاه: مورخین می نویسند که احمد شاه بحری پسر ملک نائب نظام بود و جد عالی او از برهمن بیجا نگر بود، نام او "تیما بهت" و پدر او "بهر" بود. تیمه بهت در عهد احمد شاه بهمنی زندان شد، و مشرف به اسلام شد و در غلامان شاه شامل شد، اسم نو ملک حسن یافت، مرد فراست مند بود، زبان هندی بهتر می دانست. سلطان حسن او را به تحویل فرزند خود محمد شاه داد. ملک حسن با محمد شاه مکتب می رفت زبان فارسی آموخت و در خط و کتابت مهارت حاصل کرد و بنام "مک حسن برلو" مشهور شد. سلطان محمد شاه در زمان کودکی او را بجای برلو "بحری" می گفت، او بعد به این لقب مشهور شد. ملک حسن ترقی کرد و خطاب اشرف همایون نظام الملک یافته بود. سلاطین نظام شاهی به این نام مشهور شد. بعد اشرف همایون نظام الملک فرمانروان احمد نگر و نظام شاه: برهان نظام شاه بن احمد شاه بحری، حسین نظام شاه بن برهان نظام شاه، مرتضی نظام شاه بن حسین نظام شاه المشهوریه دیوانه، میران حسین بن مرتضی نظام شاه، اسماعیل نظام شاه بن برهان نظام شاه، برهان نظام شاه بن حسین نظام شاه، ابراهیم نظام شاه بن برهان نظام شاه، احمد شاه بن شاه طاهر، بهادر بن ابراهیم نظام شاه ثانی، مرتضی نظام شاه بن شاه علی، برهان شاه (اول) بادشاه شدند. این خاندان در قرن دهم هجری بود.

فرمانروایان تلنگانه یعنی قطب شاهی

فرشته می نویسد که در عهد ابراهیم قطب شاه "اخور" نامی شخص از عراق به دربار قطب شاهی آمده بود و یک کتاب تاریخ نوشت در این کتاب همه واقعات قطب شاهی هست. ولی من این کتاب ندیدم. به این سبب من برای اینها مختصر نوشتم. می نویسد: پادشاه سلطان قلی از قبیله ترک بود و در همدان تولد یافته بود، در زمان محمد شاه لشکری به دکن آمد و در غلامان ترک محمد شاه شامل شد. سلطان قلی در علم ریاضی ماهر بود و خوشخط بود. در دربار شاهی حساب نویس مقرر شد، او در میان خانها مشهور شد چرا که آدم ایماندار بود.

سلطان محمد شاه او را امیر تلنگانه مقرر کرد. او ترقی کرد و بانی این خانواده شد، سلطان قلی عمری طویل یافت. پسر او با یک غلام سازش کرد و غلام او سلطان قلی را در سال 950 هجری قتل کرد. بعد او جمشید قطب شاه بن سلطان قلی، ابراهیم قطب شاه، محمد قلی قطب شاه پادشاه شدند.

می بینم که روابط ایران به سلاطین دکن در این زمان ترقی کرده است. میر محمد مومن استرآبادی بیست و پنج سال به دربار محمد قلی قطب شاه منسلک بود. شاه عباس صفوی برای ازدواج پسر خود به دختر قطب شاه پیغام فرستاده بود.

شاهان برار عماد شاهیه: بانی این خاندان فتح الله عماد الملک بود، در زمان سلطان محمد شاه بهمنی ترقی کرد و خطاب عماد الملک یافته بود. در سال 892 هـ یک حکومت آزاد را اعلان کرد و به نام خود خطبه خواند و پادشاه شد. بعد او علاء الدین عماد الملک، دریا عماد شاه، برهان عماد شاه فرمانروان شدند.

برید شاهی خاندان: فرمانروایان بیدر برید شاهیه .

فرشته می نویسد، تا وقت تصنیف کتاب تاریخ فرشته- در دکن یکی بعد دیگری هفت پادشاه برید شاهی خاندان حکومت کردند. بانی این خاندان قاسم برید بود. او از غلامان ترک کرجی بود. قاسم برید به ولایت همراه خواجه شهاب الدین علی یزدی دکن آمده بود، شهاب او را به دربار سلطان شاه فاروقی فرستاد. قاسم انسان بهادر و مرد دلیر بود، قاسم برید به مشاورت عادل شاه و

نظام شاه در اوسه قندهار و اودگیر بنام خود خطبه خواند و سکه جاری کرد. قاسم برید دوازده سال حکومت کرد و در سال 910 هـ وفات شد. بعد وفات او پسران او امیرعلی برید، علی برید شاه شدند. ولی فرشته می نویسد: من در باره این خاندان در هیچ کتاب نخواندم فقط شنیدم و نوشتم.

سلاطین گجرات: در تاریخ مبارک شاهی ذکر است که سلطان دهلی سلطان فیروز شاه در گجرات فرحت الله الملک را سالار تقرر کرده بود ولی علماء با او ناراحت بودند، در 793 هـ در خدمت سلطان محمد شاه عریضه شکایت نوشتند. سپس سلطان محمد شاه، شاه اعظم همایون را حاکم گجرات نامزد کرد. بعداً او سلطان گجرات شد و یک سلسله فرمانروایان بعد او شد: سلطان مظفر گجراتی، سلطان محمد شاه بن احمد شاه گجراتی، سلطان قطب الدین بن محمد شاه گجراتی، سلطان داوود شاه بن احمد شاه گجراتی، سلطان محمود شاه گجراتی المشهور به سلطان محمود بیگره، سلطان مظفر شاه بن سلطان محمود شاه گجراتی، سلطان سکندر بن سلطان مظفر شاه گجراتی، سلطان محمود بن سلطان مظفر شاه گجراتی، سلطان بهادر خان بن سلطان مظفر شاه گجراتی، میران محمد شاه فاروقی، سلطان محمود شاه ثانی بن لطیف بن سلطان مظفر گجراتی، سلطان احمد شاه ثانی، سلطان مظفر شاه ثانی بن محمود شاه ثانی گجراتی. در 991 هـ اکبر بادشاه دوباره بر گجرات قابض شد و گجرات به تحویل خود آورد.

شاهان مالوه و مندو: بعد از قتل سلطان فیروز شاه دلاور خان غوری که اسم اصل او حسین بود، بر مالوه فائز شد و بادشاه شد. بعداً پسر او سلطان هوشنگ بن دلاور خان غوری، سلطان غزنین المخاطب به محمد شاه بن سلطان هوشنگ غوری فرمانروا شدند.

سلاطین خلجیه: سلطان ملا تنوی "تاریخ العنی" نوشت، او می نویسد بعد اختتام سلاطین غوری در سال 839 هـ محمود خلجی بادشاهت مالوه اختیار کرد و بنام خود سکه و خطبه جاری کرد. فرشته در این کتاب در باره بادشاهان

سلاطین خلجیه و واقعات فرمانروایان سلاطین خلجیه و فرمانروایی آنها نوشت. در تاریخ فرشته و واقعات و بادشاهی سلاطین خلجیه سلاطین شرقیه و سلاطین پوربیه یعنی سلاطین بنگال و سلاطین سند و سلاطین کشمیر را چون ذکر حال هست.

درباره کشمیر فرشته نوشته است که در اینجا باغات میوه زیاد است و باغات بدون دیوار است، هر آنکس که می خواهد می رود و میوه می خورد، عیب نیست. کسی چیزی نمی گوید، چرا که عیب دانسته می شود.

لذا تاریخ فرشته کتاب مهم و مستند است و درباره بادشاهان دکن بهمینیه و دیگر سلاطین مسلمان که بادشاهان سراسر هند بوده اند در باره اینها اطلاعات خوب است.

کتابیات:

1. تاریخ فرشته، مترجم عبدالحی خواجه، چاپ شیخ غلام علی ایند سنسز لاهور حیدرآباد کراچی.
2. تاریخ فرشته، نولکشور فارسی.
3. تاریخ فرشته، دکتر محمد رضا نصیری، تهران.